فیلم جدید هومن سیدی در ونیز افتخار آفرید

ایرانی‌ها به زودی «جنگ جهانی سوم» را می‌بینند؟

پس از موفقیت فیلم «جنگ جهانی سوم» به کارگردانی هومن سیدی در جشنواره ونیز این سوال مطرح است که آیا این فیلم به زودی در ایران اکران می‌شود؟ بویژه آنکه پخش‌کننده بین‌المللی «جنگ جهانی سوم» این فیلم را با توجه به شرایط دیگر فیلم‌ها بهترین گزینه برای نمایندگی در اسکار می‌داند.

به گزارش ایسنا، فیلم جدید هومن سیدی ۱۹ شهریورماه در اختتامیه جشنواره فیلم ونیز موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر مرد و بهترین فیلم شد؛ از آنجا که نام این فیلم - با توجه به اعلام قبلی سازمان سینمایی درباره نبود مشکل برای صدور پروانه نمایش - در میان گزینه‌های معرفی به اسکار مطرح است، پیش‌بینی می‌شود که شاید به زودی اکران داخلی «جنگ جهانی سوم» آغاز شود، این در حالی است که طبق پیگیری‌های انجام شده گویا هنوز پخش‌کننده داخلی فیلم مشخص نیست.

با این حال مدیر کمپانی پخش «مستقل‌های ایرانی» با اشاره به اینکه پروانه نمایش فیلم برای اکران در داخل کشور صادر شده، احتمال اکران خارجی فیلم را هم در آینده‌ای نزدیک رد نمی‌کند.

محمد اطبایی در گفت‌وگویی با ایسنا ابتدا درباره حضور فیلم «جنگ جهانی سوم» و جایزه‌هایش در جشنواره ونیز بیان کرد: این فیلم از سوی مخاطبانش یعنی منتقدان، جشنواره‌ها، پخش‌کننده‌ها و تهیه‌کننده‌ها متفاوت دیده شده و جوایزی هم در این بخش از جشنواره ونیز (افق‌ها) کسب کرده است. ما پیش‌تر برای فیلم‌هایی همچون «ماهی و گربه»، «بدون تاریخ بدون امضا» جایزه‌های متعددی را از بهترین استعداد تا بهترین کارگردانی و بازیگری را در ونیز گرفته بودیم اما جایزه بهترین فیلم و بازیگر یک دستاورد قابل توجه است که امسال برای فیلم «جنگ جهانی سوم» اتفاق افتاد. در این بین مواجهه داورها هم با فیلم جالب بود و همه که در جای خود به لحاظ حرفه‌ای افرادی شاخص هستند، فیلم را از زاویه نگاه خود دیدند و آن را دوست داشتند. او ادامه داد: آنچه من به عنوان پخش‌کننده فیلم درک کردم این بود که غالباً تماشاگران فیلم، آن را دوست داشتند. گرچه با توجه به موضوعی که «جنگ جهانی سوم» دارد به نوعی روی لبه تیغ حرکت می‌کند اما به نظرم کارگردان توانسته از پس این موضوع حساس برآید و یک شکل کمدی - تراژیک به فیلم بدهد و حرف خود را که جهانی هم است به خوبی مطرح کند؛ درواقع به نظر می‌رسد کسانی که فیلم را دیدند پیام آن را گرفتند و با شیوه و فرم فیلم، خیلی خوب ارتباط برقرار کردند.

وی درباره مسیر آینده فیلم هم افزود: با توجه به استراتژی‌ای که از ابتدا در بازار جشنواره کن طراحی شد، خوشبختانه توانستیم به ونیز برسیم و جایزه بگیریم. در ادامه هم فیلم در جشنواره‌های خوب دیگری حضور دارد که اخبار آن به موقع انتشار پیدا می‌کند و فراتر از آن ان شاءالله خبرهای بهتری درباره بخش‌های اقتصادی فیلم خواهیم داشت. اطبایی درباره اینکه آیا تصور می‌کند مخاطب ایرانی هم بازخورد خوب مخاطبان جشنواره ونیز را به فیلم «جنگ جهانی سوم» نشان بدهد؟ گفت: فکر می‌کنم حتما همینطور خواهد بود، چون می‌توانم اشاره کنم به همین تعداد ایرانی‌هایی که از منتقد گرفته تا فیلمساز در جشنواره ونیز فیلم را دیدند و بازخورد مثبتی داشتند. نکته جالب این است که مخاطب این گفت‌وگو هم فیلم را ندیده و در عین حال ذهنیتی از هومن سیدی و آثارش دارد اما «جنگ جهانی سوم» یک کار متفاوت از هومن سیدی است که نسبت به فیلم‌های دیگرش هم فضای متفاوتی دارد و از نظر کارگردانی هم پخته‌تر است. او در پاسخ به اینکه شانس راهیابی این فیلم را به اسکار چقدر می‌داند گفت: ترجیح می‌دهم درباره اسکار اظهارنظر نکنم! چون این ماجرا همیشه حساسیت داشته و در ایران حساسیت‌های بیشتری دارد. شرایط انتخاب نماینده ایران در اسکار نسبت به دیگر کشورهای دنیا متفاوت است و فاکتورهای زیادی دخیل هستند. در حال حاضر از یکی دو فیلم بیشتر نام برده می‌شود ولی در میان فیلم‌های موجود با توجه به شرایطی که باید برای اکران وجود داشته باشد و به نظر می‌رسد اگر «جنگ جهانی سوم» به موقع بتواند اکران شود، شخصاً فکر می‌کنم این فیلم بهترین انتخاب می‌تواند باشد. البته این را از این جهت که عرضه و پخش بین‌المللی فیلم در اختیار من است، نمی‌گویم! بلکه فقط به این دلیل که بازخوردهای نمایش آن را در مواجهه با مخاطب خارجی و به خصوص دست‌اندرکاران حرفه‌ای سینما اعم از منتقد، مدیر جشنواره و پخش‌کننده دیدم.

پخش‌کننده بین‌المللی «جنگ جهانی سوم» درباره اینکه اگر در نهایت این فیلم به عنوان نماینده ایران در اسکار انتخاب شود، با توجه به آنکه اکران جهانی نداشته چقدر مسیر را برای دیده شدن فیلم در اسکار مناسب می‌بیند؟ بیان کرد: به لحاظ حرفه‌ای نمی‌توانم الان درباره اتفاق‌های پیش‌روی فیلم صحبت کنم که طبعاً به موقع اخبار آن منتشر می‌شود ولی از دیدگاه حرفه‌ای اگر فقط به حضور فیلم در جشنواره ونیز و دریافت جایزه هم بسنده کنیم، فکر می‌کنم دلیل کافی برای انتخاب «جنگ جهانی سوم» به عنوان نماینده ایران در اسکار باشد.

محمد اطبایی در پایان در پاسخ به اینکه جوایز سینمای ایران در ونیز چقدر می‌تواند به شرایط فعلی سینما در ایران کمک کند و برای سال آینده وضعیت سینمای ایران را در حوزه بین‌الملل چطور پیش‌بینی می‌کند؟ گفت: ابتدا به همین سال ۲۰۲۲ اشاره می‌کنم که برای سینمای ایران یک سال رویایی بود. این روند از جشنواره برلین شروع شد، در کن ادامه یافت و بعد در جشنواره کارلووی‌واری دو سینماگر جوان ایرانی جایزه گرفتند و الان هم در ونیز این اتفاق افتاده و همزمان سینمای ایران درجشنواره تورنتو هم حضور پررنگی دارد. به نظرم سینمای ما، یک سال درخشان را داشت و دارد که در ادامه به ۲۰۲۳ می‌رسد. اما شخصا افق روشنی را برای سینمای ایران در سال آینده با توجه به تولیدات داخلی نمی‌بینم، ضمن احترام به همه دوستانی که در حال تولید فیلم هستند یا اثری را تولید کرده‌اند، تصور می‌کنم سینمای ایران در سال آینده و در بخش حضور در جشنواره‌های بین‌المللی با دشواری‌های جدی روبرو خواهد بود.

مرور فیلم‌ها و سریال‌هایی که برای ملکه انگلیس ساختند

بخش‌های مختلف از زندگی ملکه الیزابت دوم که نزدیک به یک قرن به طول انجامید، تاکنون در چندین فیلم، سریال و مستند تلویزیونی به تصویر کشیده شده است.

به گزارش ایسنا ملکه الیزابت دوم، روز هشتم سپتامبر ۲۰۲۲ در سن ۹۶ سالگی و در حالی که بیش از ۷۰ سال بر تخت سلطنت بریتانیا تکیه زده بود، درگذشت. او در رتبه دوم طولانی‌ترین مدت سلطنت قرار می‌گیرد.

زندگی طولانی و پرماجرای ملکه اروپایی تاکنون بهانه ساخت چندین فیلم، سریال و مستند شده است.

الجزیره در گزارشی به معرفی چند اثر نمایشی با موضوع زندگی الیزابت دوم پرداخته که در ادامه می‌خوانید:

سریال «تاج»

سریال «تاج» را می‌توان موفق‌ترین اثر نمایشی درباره الیزابت دوم دانست. با وجود اینکه برخی این سریال را جنجال‌برانگیز دانسته‌اند اما این اثر که در نتفلیکس ساخته شده، شناخته شده‌ترین اثر نمایشی درباره خانواده سلطنتی انگلیس است. سریال «تاج» که از سال ۲۰۱۶ منتشر شده و تاکنون انتشارش ادامه دارد، فقط به زندگی ملکه الیزابت نپرداخته و به جزئیات زندگی تمامی افراد خاندان سلطنتی بریتانیا توجه کرده است. فصل پنجم این سریال در آستانه انتشار قرار دارد. ضمن اینکه روز گذشته اعلام شد، ساخت فصل ششم و پایانی سریال «تاج» پس از مرگ ملکه الیزابت که یکی از شخصیت‌های اصلی این سریال بود، متوقف شد.

سریال «یک سال با ملکه»

سریال تلویزیونی «Monarchy... The Royal Family at Work» که به نام «A Year with the Queen» هم معروف است، یک سریال تلویزیونی مستند، تولید BBC و RDF Media است. این مستند تلویزیونی زندگی خانواده سلطنتی را در طول یک سال دنبال می‌کند.

این سریال که در سال ۲۰۰۷ منتشر شده است، سفرهای بین المللی و رسمی خانواده سلطنتی، جشن‌ها و مراسم‌ها و زندگی روزمره آن‌ها در طول یک سال را به تصویر کشیده است. این اثر از سایت IMDb امتیاز ۷.۹ را کسب کرده است.

مجموعه مستند «خانواده سلطنتی»

در اواخر دهه ۶۰ میلادی یک روزنامه‌نگار تصمیم گرفت تا با ساخت یک مستند تلویزیونی از زندگی روزمره خانواده سلطنتی انگلیس، روابط میان خاندان سلطنتی و مردم را بهبود بخشیده و زندگی عادی و روزمره آنها را به مردم نشان دهد. این مستند تلویزیونی با نام «Royal Family» اولین بار در سال ۱۹۶۹ از شبکه‌های «BBC۱» و «ITV» پخش شد.

این مستند در بریتانیا بیش از ۳۰ میلیون بیننده داشت و وقتی حق پخش بین‌المللی آن به فروش رسید، به بیش از ۳۵۰ میلیون بیننده دست یافت. با این وجود از سال ۱۹۷۷ به بعد از تلویزیون انگلیس پخش نشد و دسترسی به آن دشوار بود تا اینکه از سال گذشته در بستر اینترنت در دسترس عموم قرار گرفت.

فیلم «سخنرانی پادشاه»

«سخنرانی پادشاه» (The King's Speech) یک درام تاریخی و بیوگرافی است که در سال ۲۰۱۰ با بازی کالین فرث و هلنا بونهام کارتر منتشر شد. این فیلم چهار جایزه اسکار و هفت جایزه بفتا را به دست آورده و مورد توجه مردم و منتقدان قرار گرفته است. «سخنرانی پادشاه» ماجرای به سلطنت رسیدن جرج ششم و ارتباط او با دو دخترش به ویژه الیزابت که ولیعهد او شد را به نمایش می‌گذارد.

فیلم «ملکه»

فیلم «ملکه» با ساختار بیوگرفی به ماجرای فوت پرنسس دایانا طی یک تصادف رانندگی همراه با دودی فاید ـ تهیه‌کننده مصری ـ می‌پردازد. این فیلم با بازی هلن میرن و جیمز کارویل در سال ۲۰۰۶ منتشر شده و برنده جوایز بفتا، اسکار و گلدن گلوب بوده است. درآمد این فیلم ۱۲۳ میلیون دلار برآورد شده در حالی که بودجه ساخت آن بیش از ۱۵ میلیون دلار نبوده است.

مهدی غبرایی تشریح کرد

آزادی محدود مترجمان در ترجمه

مهدی غبرایی معتقد است: دست مترجم برای ترجمه آثار خیلی باز نیست و تاجایی می‌تواند در متن تغییر ایجاد کند که در مضمون و منظور نویسنده دخالتی نکند.

این مترجم در گفت‌وگو با ایسنا درباره ترجمه‌ها و شبه ترجمه‌ها و این‌که به نظر می‌رسد برخی از مترجمان قدیمی مطالبی را به رمان‌ها و داستان اضافه کرده‌اند، اظهار کرد: وقتی این موضوع مطرح می‌شود، برجسته‌ترین نامی که در این زمینه به ذهن می‌آید، شادروان ذبیح‌الله منصوری است. زنده یاد کریم امامی مقاله‌ای با عنوان «پدیده‌ای به نام ذبیح‌الله منصوری» درباره او نوشت و گفت منصوری فقط مترجم نبوده بلکه نویسنده هم بوده است و استعداد خاصی در این زمینه داشته است.

او با بیان این‌که شاید این استعداد متعلق به یک دوره خاص باشد، افزود: در ابتدای رو آوردن به ترجمه از منابع غربی و به‌خصوص داستان‌های ماجراجویانه، برخی که در مطبوعات هم قلم می‌زدند مانند حسینقلی مستعان و امیر عشیری و .. متن را می‌خواندند، اسم نویسنده را هم نمی‌بردند و به اسم خودشان داستان مفصلی می‌نوشتند و به شکل پاورقی منتشر می‌کردند اما امروزه با پیشرفت و گسترش زبان و با توجه به این‌که، یکی دو نسل برجسته از مترجمان بزرگ را پشت سر داریم، دیگر این کارها صلاح نیست، مگر این‌که نابغه‌ای در حد منصوری پیدا شود و بخواهد قصه‌پردازی کند.

غبرایی با بیان این‌که ترجمه گذشته از فن، هنر هم هست خاطرنشان کرد: به نظرم یکی از بایدهای مترجم آثار ادبی این است که کتاب‌خوان باشد و زمانی که با زبانی آشنا شد، دست به ترجمه بزند زیرا خواندن کتاب، چگونه نوشتن را یاد می‌دهد. کلاس‌هایی که در این زمینه وجود دارد می‌تواند کمک‌کننده باشد اما استعداد و ذوق و شوق کسی که می‌خواهد ترجمه کند، اصل است.

مترجم «سرزمین عجایب بیرحم و ته دنیا»، «زن در ریگ روان» و «شوهر دلخواه» با بیان این‌که در ترجمه دست مترجم تا حدی باز است، گفت: معمولا کتاب‌ها از زبان‌های اروپایی ترجمه می‌شوند و زبان فارسی در نحو، تفاوت‌های بارزی با زبان آن‌ها دارد، بنابراین اگر مترجم بخواهد عینا آن‌ها را منتقل کند، متن شلخته و بی‌معنایی از آب در می‌آید و نمی‌شود آن را درست و روان و شیوا خواند. البته نویسندگانی هم هستند که دشوار می‌نویسند و مترجم موظف است به آن دشوارنویسی پایبند باشد. دخالت مترجم در متن بسیار بسیار محدود است، مترجم حق ندارد چیزهایی از خودش اضافه کند و یا چیزهایی را که نویسنده آورده، حذف کند. ملاک کارم را چنین می‌گذارم و فکر می‌کنم بسیاری از مترجمان هم نسل من نیز کمابیش این نظر را داشته باشند.

او با مقایسه «آزادی در ترجمه» با «آزادی‌های اجتماعی»، افزود: در تعریف آزادی اجتماعی آمده است «آزادی تا آنجایی اعتبار دارد که مخل آسایش دیگران نشود» درباره ترجمه آثار ادبی به‌خصوص رمان و داستان مترجم تا جایی آزاد است که در مضمون و منظور نویسنده دخالتی نکند، البته می‌شود با توجه به نحو و ساختار دستوری زبان مقصد، دخالت‌های جزئی‌ای در لفظ داشت تا متن با ساختار زبانی کشور مقصد همخوانی پیدا کند و جملات و عبارات درست خوانده شود در عین حال مقصود نویسنده به درستی منتقل شود.

مترجم «سیاهاب»، «سفر در اتاق نسخه‌برداری» و «آفتاب‌پرست‌ها» درباره واژه‌ها و اصطلاحاتی که معادل فارسی ندارند با بیان این‌که ترجمه ادبی با ترجمه متن‌های فلسفی و علوم اجتماعی فرق دارد، خاطرنشان کرد: با توجه به سابقه‌ای که در ادبیات و بخصوص شعر داریم برای ترجمه آثار ادبی از نظر واژگانی و امکانات زبانی چیزی کم و کسر نداریم، حتی شاید اضافه هم داشته باشیم. بنابراین می‌شود در برابر بسیاری از واژه‌ها و اصطلاحات جست‌وجو کرد و چیزهایی را در متون فارسی پیدا کرد و یا حتی ابداع کرد. در جاهایی خودم این کار را کرده‌ام مثلا اصطلاح «غمشادی». «غم و شادی» و «شادی و غم» را باهم نوشته‌اند اما من غمشادی را سرهم به کار بردم و در متن هم خوب نشست.

او ادامه داد: با خواندن متون کلاسیک و متون معاصر (داستان و رمان از جمالزاده و هدایت تا کنون) می‌شود معادل‌هایی برای آن دسته از واژه‌ها و یا اصطلاحات پیدا کرد. البته ممکن است با اصطلاحی هم برخورد کنیم که سابقه‌اش را نداشته باشیم و یا نشود معادلی برای آن ساخت، بنابراین می‌توان ازهمان اصطلاح استفاده کرد و توضیح کوتاهی در پانویس داد.

اما معمولا در رمان و داستان این واژه‌ها مخل خواندن می‌شوند تاجایی که می‌شود باید از آن‌ها پرهیز کرد.

مترجم «کافکا در کرانه» و «کتابخانه عجیب» درباره ترجمه شعر به زبان فارسی و این‌که برخی معتقدند باید کسی که شاعر است، شعر را ترجمه کند با بیان این‌که به صورت مستقل شعر ترجمه نکرده، اما در لابه لای متن‌هایی که ترجمه می‌کند، شعرهایی را ترجمه کرده است، توضیح داد: بله، کسی که شعر ترجمه می‌کند باید خود شاعر باشد و اگر نباشد کار لق می‌زند. به نظرم برخی از شعرها را که ترجمه‌پذیر نیستند، نباید ترجمه کرد. در شعر در عین‌حال که دست مترجم باز است، مترجم باید شاعر باشد تا شعر، خوب از آب دربیاید به طور مثال احمد شاملو از لورکا ترجمه کرده، تا امروز ترجمه‌ای به خوبی ترجمه شاملو سراغ ندارم. حتی از زبان اصلی هم ترجمه کرده‌اند اما جانِ شعرِ لورکا درنیامده است.

فتحعلی بیگی پس از تماشای «تنهاتر از مسیح» چه گفت؟

داوود فتحعلی بیگی معتقد است که متولیان امور فرهنگی کشور باید زمینه ترویج اندیشه‌های ناب محمدی را گسترش دهند.

این هنرمند پیشکسوت تئاتر با اشاره به این موضوع که تعزیه‌خوانی و هنرهای نمایشی موثرترین فعالیت در به نمایش کشیدن مصائب اهل بیت است،به ایسنا گفت: هنوز هم از نظر من جذاب‌ترین و دلنشین‌ترین هنر نمایشی آیینی، تعزیه است. جالب است بدانید، هربار در هر نمایشی که چه خود من و چه سایر دوستان روی صحنه برده‌اند، اگر یک گوشه از کار چند تعزیه‌خوان حرفه‌ای اجرا داشتند، بخش تعزیه بالاتر از بخش نمایش قرار می‌گرفت، چرا که تعزیه جذابیت بیشتری دارد.

او با اشاره به در کنار یکدیگر بودن شور و شعور حسینی در هنرهای نمایشی ادامه داد: در رابطه با هنر عاشورایی یک بحث شور داریم و یک بحث شعور.

متاسفانه خیلی از افراد تنها به شور کار فکر می‌کنند و در بحث شعور آن زیاد متمرکز نمی‌شوند. نه اینکه نخواهند، اما برخی‌ها به عمق مسئله واقف نیستند و فکر نمی‌کنند یا در رابطه با ویژگی‌های آن واقعه و اثرات آن در دنیای معاصر بسیار تعمق نمی‌کنند و به قضیه سطحی نگاه می‌کنند. در عاشورا دو صف نماز بود.

هم امام حسین نماز می‌خواند و هم عمر سعد اما کدام‌شان واقعا خدا و اسلام را درک کرده بودند؟

فتحعلی بیگی افزود: گاهی داستان‌هایی از یک فرد شراب‌خوار که به یک باره مرید امام حسین(ع) شده نقل می‌کنند.

اگر چنین اتفاقی افتاده، تحول درون ذات و شخصیت آن آدم بوده، دقیقا مثل حر که اگر ظرفیتش در او وجود نداشت، متحول نمی‌شد.

این داستان‌ها سطحی‌نگری است و از نگاه سطحی افراد نشأت می‌گیرد. یا اینکه مجلسی به راه می‌اندازند که یک سو موعظه است و یک سو مردم را به گریه می‌اندازند.

این پیشکسوت عرصه تئاتر و هنرهای نمایش با اشاره به سرمایه‌گذاری اندک در حوزه تئاتر و نمایش در خصوص زندگی و اندیشه اهل بیت افزود: باید ببینیم ما چقدر در این زمینه سرمایه‌گذاری کردیم؟ و اگر هم سرمایه‌گذاری کرده‌ایم، کجا این سرمایه خرج شده است؟ من سال‌هاست آدمی را می‌شناسم که یک شو اجرا می‌کند و قرارداد خوبی هم می‌بندد و پول خوبی هم دریافت می‌کند.

در حالی که در باطنش یک جو اعتقاد وجود ندارد، چرا که در کنار این شویی که به راه می‌اندازد، هزار گناه دیگر انجام می‌دهد. این به چه درد می‌خورد؟ اگر هم اصلا آدم خوبی باشد، چرا شو راه می‌اندازد؟ ما نیاز به شو نداریم.

او ادامه داد: یک زمانی می‌آمدند و با عنوان کردن معجزه، مردم بی‌سواد و ناآگاه را نسبت به حقانیت ائمه تحریف می‌کردند.

امروزه دیگر نمی‌توانیم با معجزه حقانیت امام رضا(ع) را ثابت کنیم.

چرا که دیگر دوره این حرف‌ها گذشته و آنقدر این امام بزرگوار، پدران و فرزندانش جایگاه والایی در اندیشه‌ورزی دارند که باید ایشان را از طریق عمق درک و دریافت مردم از دین معرفی کنیم، اما هنوز گاهی می‌بینیم، در برخی جشنواره‌ها، قصد دارند با طرح یک معجزه حقانیت ائمه را ثابت کنند.

فتحعلی‌بیگی همچنین در پایان درباره جذابیت تعزیه و هنرهای نمایشی و استقبال این روزهای مردم و مخاطبان از نمایش صحنه‌ای «تنهاتر از مسیح» عنوان کرد: تعزیه اگر برای نسل امروزی جذاب نبود، پس چرا از نمایش «تنهاتر از مسیح» و تئاترهای عاشورایی و مذهبی دیگر تا این حد استقبال شده و توانسته ارتباط خوبی با مخاطبان برقرار کند.

تعزیه‌ای جاذبه ندارد که دچار عوام‌زدگی شده باشد، اما شاهدیم که همچنان تعزیه‌ها و نمایش‌هایی اجرا می‌شود که بسیار باشکوهند و چندهزار نفر تماشاگر دارند و تمامی این مخاطبان آدم‌های علاقه‌مند و باسوادی نسبت به دین هستند.

هنوز که هنوز است تعزیه و هنرهای نمایشی تاثیرگذار است و این هنر بیش از ۳۰۰ سال مانند یک رسانه در جامعه عمل کرده است.

حالا اگر امروز ما نسبت به تعزیه و هنر نمایش بی‌مهری می‌کنیم، مقصر ما هستیم، اگر عیب و ایرادی در طول سالیان دراز بر این هنر عارض شده، مقصر ما هستیم.

اخبار کوتاه

ژاله آموزگار، عضو شورای تولیت بنیاد موقوفات افشار شد

ژاله آموزگار (زبان‌شناس و عضو وابستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی) به عنوان عضو شورای تولیت بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار انتخاب شد. به گزارش ایسنا، صفحهٔ بنیادموقوفات دکتر محمود افشار این خبر را در صفحهٔ خود اعلام کرده است و نوشته است: «او پیش از این نیز عضو هیئت گزینش کتاب و جایزهٔ بنیاد موقوفات افشار بوده است.»

ژاله آموزگار در ۱۲ آذر ۱۳۱۸ در خوی زاده شد. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خود و تبریز به پایان رساند و در سال ۱۳۳۵ به دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز رفت.

او پس از فارغ‌التحصیلی با کسب رتبهٔ اول از آن دانشگاه، راهی فرانسه شد و در دانشگاه سوربن به تحصیل در رشتهٔ زبان‌های ایرانی و ادبیات پرداخت. آموزگار در سال ۱۳۴۷ به ایران بازگشت و مدتی در بنیاد فرهنگ ایران مشغول به کار و پژوهش شد. او از سال ۱۳۴۹ تدریس در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه تهران را آغاز کرد و در سال ۱۳۸۵ با درجهٔ استادی از آن دانشگاه بازنشسته شد. از جمله آثار او می‌توان به «تاریخ اساطیری ایران»، ترجمهٔ «ایران باستان از ماریان موله»، ترجمه «ارداویراف‌نامه (ارداویرازنامه)» از فیلیپ ژینیو اشاره کرد. آموزگار به پاس خدمات علمی ارزنده‌اش جوایزی نیز دریافت کرده است که «جایزهٔ لژیون دونور» از وزارت فرهنگ فرانسه و «جایزهٔ سرو ایرانی» از جملهٔ آنهاست.

چرا سام قریبیان به «قفس» نرفت؟

محمد حاتمی، کارگردان نمایش «قفس» درباره حضور نداشتن سام قریبیان در ترکیب بازیگران این نمایش توضیحاتی ارایه کرد. به گزارش ایسنا، چند روزی است که نمایش «قفس» نوشته و کار محمد حاتمی اجرای خود را در تالار حافظ آغاز کرده است. در نخستین خبرهایی که از اجرا این نمایش منتشر شد، نام سام قریبیان نیز به عنوان یکی از بازیگران عنوان شده بود ولی تماشاگرانی که به دیدن این نمایش رفته‌اند، گفته‌اند که این بازیگر در نمایش بازی نمی‌کند.

در همین زمینه محمد حاتمی، کارگردان این نمایش به ایسنا می‌گوید: آقای قریبیان از ابتدا در نمایش ما بازی می‌کردند و حتی بازبینی نمایش با بازی ایشان انجام شد. ایشان در میانه تمرین عنوان کردند که در سریالی بازی می‌کنند ولی فیلمبرداری آن تا ۲۰ شهریور به پایان می‌رسد و ما از همان ابتدا نمایش را با ایشان و آقای یزدان فتوحی تمرین کردیم تا هر دو بازیگر در نمایش بازی کنند. او ادامه داد: نمایش از آغاز با بازی یزدان فتوحی روی صحنه رفت تا فیلمبرداری سریالی که سام قربیبان در آن بازی می‌کرد به پایان برسد ولی بعد کاشف به عمل آمد که نه تنها فیلمبرداری تمام نمی‌شود بلکه گروه سازنده سریال در شهری خارج از تهران به کار خود ادامه می‌دهند، بنابراین نمایش ما همچنان با بازی آقای فتوحی روی صحنه می‌رود. چندی پیش نیز به دلیل بازی سام درخشانی در سریال «سووشون» که در شیراز فیلمبرداری می‌شود، اجرای نمایش «اهالی کاله» به کارگردانی کیومرث مرادی به مدت چند شب متوقف شد.

کتابخانه‌های کانون پرورش فکری به نهاد کتابخانه‌های عمومی واگذار می‌شود؟

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف کاهش زیان‌دهی شرکت دولتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تأمین بخشی از هزینه‌ها از محل کاهش و صرفه‌جویی در هزینه‌ها با استفاده از ساختار و ظرفیت موجود در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیز به منظور افزایش و همسان‌سازی حقوق کارکنان این کانون، خواستار صدور مجوز برای واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور شده است. به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر هیات دولت، با توجه به ضرورت مبارزه با کم سوادی و ایجاد نهضت کتابخوانی در میان کودکان و نوجوانان کشور و ایجاد هم افزایی میان کتابخانه‌های کانون پرورش فکری و نهاد کتابخانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف کاهش زیان‌دهی شرکت دولتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تأمین بخشی از هزینه‌ها از محل کاهش و صرفه‌جویی در هزینه‌ها با استفاده از ساختار و ظرفیت موجود در نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و نیز به منظور افزایش و همسان سازی حقوق کارکنان این کانون براساس نظام نامه جبران خدمات نهاد کتابخانه‌ها، خواستار صدور مجوز برای واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور شده است.

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور به عنوان متولی اصلی توسعه کتابخانه‌ها و ترویج کتابخوانی در کشور، نهادی عمومی، غیر دولتی، کاملاً فرهنگی با هویت اسلامی ایرانی، نافذ و اثرگذار بر جامعه است که وظیفه مهم آگاهی‌بخشی، اطلاع‌رسانی و زمینه‌سازی مناسب به منظور ارتقای سرانه مطالعه و ترویج کتابخوانی و تحقق عدالت دسترسی به کتاب و کتابخانه را برعهده دارد.

این نهاد در جایگاه مؤثرترین متولی امر مهم کتاب و ترویج کتابخوانی، با ۳۷۲۰ کتابخانه عمومی در سراسر کشور (۲۷۳۲ باب نهادی، ۸۵۴ باب مشارکتی، ۲۷ باب مستقل، ۱۰۷ سالن مطالعاتی) و دارای بیش از ۴۵ میلیون نسخه کتاب، همواره در تلاش برای افزایش تعداد کتابخوان‌های جامعه (با بیش از ۱۰ میلیون عضو و قریب به ۲ میلیون عضو فعال که تقریباً نیمی از آنها را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند) است. از آنجایی که کتابخانه‌های عمومی به منظور برآورده ساختن نیازهای اطلاعاتی، علمی، پژوهشی، آموزشی، تفریحی و غنی سازی اوقات فراغت عموم افراد جامعه صرف نظر از سن، نژاد، جنسیت، مذهب، ملیت، زبان یا موقعیت اجتماعی آنها، به ارایه خدمات کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌پردازند، در سیاستگذاری‌های کلان این نهاد، کودکان و نوجوانان از اقشار محوری این طرح در راستای نهادینه شدن مطالعه از کودکی در نظر گرفته شده‌اند. درحال حاضر در تمامی کتابخانه‌های عمومی نهاد، بخش کودک وجود دارد و سعی شده طراحی فضا و تجهیزات بخش کودکان به تناسب شرایط سنی آنها انجام شود. ایجاد بخش‌های جدید همچون اتاق علم، اتاق مادر و کودک، برنامه‌های فرهنگی و ترویجی همچون «با هم بخوانیم»، باشگاه‌های کتابخوانی، جمع خوانی، قصه گویی، روزنامه دیواری و کاردستی و...، تولید کتاب هدهد سفید (ویژه نوجوانان)، راه‌اندازی محافل ادبی جوانه‌ها، جشنواره‌ها و پویش‌هایی همانند: «نشان هدهد سفید»، «قصه گویی»، «جشنواره کتابخوانی رضوی» و... از جمله اقداماتی است که برای اعضای کودک و نوجوان این نهاد در کنار تأمین منابع اطلاعاتی مناسب، انجام شده است. از سوی دیگر یکی از مجموعه‌هایی که دارای کتابخانه بوده و با رویکرد خدمت‌رسانی به عموم مردم با محوریت کودکان و نوجوانان طراحی شده، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» است که دارای حدود یک هزار باب کتابخانه چندمنظوره کودک و نوجوان به صورت ثابت است و این مجموعه قریب به ۳ هزار نیروی انسانی دارد. وفق ماده (۱) قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور، تأسیس، ساخت، تجهیز و بازسازی، توسعه، مدیریت، نظارت و سایر امور کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور به موجب این قانون انجام می‌شود. همچنین با استناد به تبصره (۲) ماده (۱۱) قانون مذکور، بجز کتابخانه‌های آستان قدس رضوی(ع)، حضرت معصومه (س)، حضرت عبدالعظیم(ع)، احمدبن موسی (ع)، کتابخانه ملی، کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه‌های وقفی، تمامی کتابخانه‌های عمومی اعم از شهرداری، مساجد و... باید زیر نظر کتابخانه‌های عمومی کشور اداره شود. از این رو، با توجه به موارد ذکر شده و قرابت مأموریتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهاد واگذاری کتابخانه‌های تحت پوشش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور را ارایه کرده است. تخصص نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور در مدیریت و توسعه کتابخانه‌های چند منظوره کودک و نوجوان براساس استانداردهای جهانی و سندهای آمایش سرزمینی، مدیریت چابک، هدفمند و انقلابی نهاد کتابخانه‌ها و پیشنه موفق آن در دهه اخیر، توانمندی نهاد کتابخانه‌ها در به روز رسانی منابع (کتاب و نشریات)، آموزش کتابداران، استانداردسازی خدمات و برگزاری برنامه‌های متنوع برای تبدیل وضعیت کتابخانه‌ها به مراکز فرهنگی محله‌ها، از جمله دلایل پیشنهاد واگذاری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به این نهاد است. بنا بر این گزارش، پیشنهاد فوق درحال حاضر در کمیسیون مدیریت امور عمومی و سرمایه انسانی دولت بررسی می‌شود.